گزارش یونیسف از فقر در کشورهای در حال توسعه

۷ عامل برای داشتن یک خانواده عادی

در تحقیقی که یونیسف انجام داده کودکان خیابانی را به دو دسته تقسیم کرده است؛ ساکن و مهاجر. این کودکان از نظر مشاغل و گذران امور هم به ۵ دسته تقسیم شده‌اند؛ دارای مشاغل خیابانی، دارای مشاغل کاذب، واگردان و باجگیران، متکدیان و بزهکاران. مجموعه همین کودکان خیابانی از نظر وضعیت سکونت دارای تقسیمات متفاوتی هستند؛ کارتن‌خواب انفرادی، کارتن‌خواب گروهی، اتوبوس‌خواب، قطارخواب و هتل‌خواب. براساس گزارش یونیسف پایین بودن نرخ رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی و توزیع نادعادلانه درآمد در این بخش از جهان باعث شده میزان فقر در این کشورها بیش از دیگر بخش‌های جهان باشد.

پژوهشگران بر این باور هستند که برای داشتن یک زندگی عادی باید ۷ عامل در کنار یکدیگر حضور داشته باشند. این ۷ عامل عبارتند از: دسترسی به غذای سالم و کافی، آب سالم، خدمات تصفیه آب، بهداشت و درمان، سرپناه، آموزش و اطلاعات روز دنیا؛ در صورتی که فردی از دو یا چند عامل یادشده بی‌بهره باشد در شمار فقرای جهان قرار می‌گیرد. آمارها نشان می‌دهد ۳۷ درصد از کودکانی که در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند و جمعیتی بالغ بر ۶۴۰ میلیون نفر را شامل می‌شوند در فقر مطلق زندگی می‌کنند. یعنی از بیش از دو فاکتور ضروری برای داشتن یک زندگی سالم محروم هستند.

میزان فقر در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا بیش از دیگر نقاط جهان است. طبق آمارهای یونیسف بیش از ۲۰ درصد کودکان ساکن در این مناطق در فقر مطلق زندگی می‌کنند. شمار کودکان فقیر در کشورهای آمریکای لاتین، کارایب و آسیای شرقی کمتر است. چیزی حدود ۲۰ درصد کودکان ساکن در این مناطق در داماں فقر زندگی می‌کنند و این نسبت در کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه به کمتر از ۱۰ درصد می‌رسد. تعداد کودکان محروم از امکانات اولیه حیات در مناطق روستایی جهان بیشتر از شهرهاست. درحال حاضر ۷۰ درصد از کودکان روستایی جنوب صحرای آفریقا و آسیای جنوبی در فقر مطلق هستند و حتی حداقل غذا، آب یا امکانات آموزشی و بهداشتی راهم در اختیار ندارند.

> **پژوهشگران بر این باور هستند که برای داشتن یک زندگی عادی باید ۷ عامل در کنار یکدیگر حضور داشته باشند. این ۷ عامل عبارتند از: دسترسی به غذای سالم و کافی، آب سالم، خدمات تصفیه آب، بهداشت و درمان، سرپناه، آموزش و اطلاعات روز دنیا؛ در صورتی که فردی از دو یا چند عامل یادشده بی‌بهره باشد در شمار فقرای جهان قرار می‌گیرد**

• بیش از نیمی از کودکان کشورهای درحال توسعه (۵۶درصد) که تعداد آنها از یک میلیارد نفر هم بالاتر است در محرومیت کامل بسر می‌برند و حتی امکانات لازم برای ادامه حیات و داشتن یک زندگی سالم را نیز در اختیار ندارند.

• میزان محرومیت کودکان در دو منطقه جنوب صحرای آفریقا و آسیای جنوبی به بیش از ۸۰ درصد رسیده است. این امر در آینده مشکلات اقتصادی بسیار زیادی برای این کشورها ایجاد خواهد کرد.

•سطح محرومیت کودکان روستایی جهان از کودکان فقیر شهری بسیار بالاتر است. برای مثال بیش از ۹۰ درصد کودکان ساکن در روستاهای آسیای جنوبی و جنوب صحرای آفریقا و ۸۲ درصد از کودکان روستاهای آفریقای شمالی و خاورمیانه در فقر مطلق زندگی می‌کنند و از حداقل امکانات حیاتی بی‌بهره هستند

• بزرگترین مشکل کودکان فقیر جهان نداشتن سرپناه و عدم امکان دسترسی به غذا و آب سالم است که باعث شده به بیماری‌های مختلفی مبتلا شوند و آسیب‌های جدی ببینند.

• ۳۴ درصد از کودکان کشورهای درحال توسعه یعنی حدود نیم‌میلیارد کودک به دلیل نداشتن سرپناه مناسب مجبور هستند یک اتاق کوچک را با ۶ نفر تقسیم کنند و حتی از امنیت لازم برای استراحت یا داشتن یک حریم‌شخصی محروم هستند.

• ۳۱ درصد از کودکان جهان یعنی حدود نیم‌میلیارد کودک ساکن در کشورهای درحال توسعه به حمام، دستشویی، صابون، وسایل ضدعفونی‌کننده و... دسترسی ندارند و به همین دلیل در معرض بیماری‌های عفونی و میکروبی قرار دارند.

• ۲۵ درصد از کودکان کشورهای درحال توسعه که شامل ۴۰۰ میلیون نفر می‌شوند به رادیو، تلویزیون، تلفن و روزنامه دسترسی ندارند و در ناآگاهی کامل به‌سر می‌برند.

• ۳۷۶ میلیون کودک یعنی ۲۰ درصد کودکان کشورهای درحال توسعه برای رسیدن به آب باید حداقل ۱۵ دقیقه پیاده‌روی کنند تا بتوانند از آب ناسالم و تصفیه نشده چاهی استفاده کنند. عدم دسترسی این قشر به آب تصفیه‌شده و سالم یکی از بزرگترین مشکلات بهداشتی جهان است.

• ۱۵ درصد کودکان زیر ۵ سال کشورهای درحال توسعه از نظر غذایی کاملا محروم هستند و کالری‌های ضروری برای سلامت جسمی و ذهنی خود را دریافت نمی‌کنند. نیمی از آنها یعنی حدود ۹۱ میلیون کودک محروم از غذا در کشورهای جنوبی قاره آسیا به‌سر می‌برند.

• ۲۶۵ میلیون کودک در کشورهای درحال توسعه جهان یعنی ۱۵ درصد کودکان ساکن در این بخش‌ها در برابر هیچ نوع بیماری‌ای واکسینه نشده‌اند و در اثر استفاده از غذا و آب ناسالم به بیماری‌های عفونی زیادی مبتلا می‌شوند.

• ۱۳ درصد کودکان و نوجوانان بین ۷ تا ۱۸ سال کشورهای درحال توسعه که شامل ۱۳۴ میلیون نفر هستند، هرگز به مدرسه نرفته‌اند و سواد خواندن و نوشتن ندارند. این قشر از نظر آموزشی کاملا محروم هستند و برای انجام هر کاری نیازبه کمک دیگران دارند.

• میزان فقر کودکان در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بیش از دیگر نقاط جهان است. آنها حداقل از ۴ عامل از ۷ عامل ضروری برای ادامه بقا و برخورداری از یک زندگی سالم محروم هستند.

• ۱۹۸ میلیون کودک در کشورهای جنوب صحرای آفریقا از سرپناه مناسب بی‌بهره هستند. ۱۶۷ میلیون کودک هرگز از آب سالم و تصفیه شده استفاده نکرده‌اند و ۳۰ درصد تا به حال به یک محیط آموزشی مثل مدرسه یا کلاس درس نرفته‌اند.

۲۷ درصد کودکان این منطقه از خدمات ضروری برای حفظ سلامت مثل واکسیناسیون یا خدمات پزشکی هنگام بیماری بهره‌ای نبرده‌اند. در جنوب آسیا نیز تعداد زیادی از کودکان از نظر بهداشتی، اطلاعات و غذایی محروم هستند. طبق آمارها ۶۱ درصد کودکان آسیای جنوبی اصلا در وضعیت بهداشتی مناسبی زندگی نمی‌کنند. ۴۰ درصد کودکان این منطقه در محل سکونت خود وسایل ارتباط جمعی ندارند و ۲۷ درصد از غذای سالم بی‌بهره هستند. بیش از نیمی از کودکانی که در محرومیت کامل غذایی هستند در جنوب آسیا سکونت دارند. شمار کودکان محروم غذایی در این منطقه به ۵۳ میلیون نفر می‌رسد. البته در همین مناطق هم توزیع فقر یکسان نیست. مثلا در کشور مالدیو بیشتر ۱۹ درصد کودکان در فقر مطلق به سر می‌برند در حالی که در کشوری مثل رواندا که در آفریقا قرار دارد بیش از ۹۰ درصد کودکان از هیچ‌کدام از امکانات حیات بهره‌مند نیستند و در فقر مطلق زندگی می‌کنند. در کشورهای خاورمیانه ۴۵ درصد کودکان از داشتن سرپناهی مناسب محروم هستند و ۲۵ درصد هرگز غذای مناسب مصرف نکرده‌اند.

• شمار کودکان فقیر و محروم در روستاهای جهان بیش از شهرها است. بیشترین تفاوت بین کودکان روستایی و شهری در حوزه خدمات بهداشتی است زیرا تنها ۹ درصد کودکان شهری از خدمات بهداشتی محروم هستند اما در مقابل ۴۱ درصد کودکان ساکن در روستاهای جهان از این عامل حیاتی بی‌بهره هستند. از طرف دیگر احتمال اینکه یک کودک روستایی در یک فضای پرجمعیت زندگی کند ۳ برابر بیشتر از یک کودک شهری است.

فردفقیر، خانواده فقیر و راه برون‌رفت از فقر

چه فردی فقیر است؟ چه خانواده‌ای فقر دارد و چگونه می‌توان بر این بحران سیطره یافت و در جهت کاهش آن گام نهاد؟

در کتب مختلف جامعه‌شناسی تعاریف گوناگونی از فقر شده است و می‌توان به یک جمع‌بندی کل از آنها رسید.

۱-فقرجسمی

شخصی که نقص عضو دارد، دچار فقر جسمی است؛ بدین ترتیب، معلولان در شمار فقیران جای دارند؛ هر چند از ابعاد دیگر در درجات بالایی از توانگری باشند. البته چنین فقری اغلب به فقر مالی نیز می‌انجامد.

۲-فقرفرهنگی

بی‌تردید خرد، یکی بزرگترین نعمت‌های خداوند متعال است. هیچ نعمتی از عقل برتر نیست؛ ولی برخی انسان‌ها از این نعمت بزرگ بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. عقل مراتب مختلفی دارد. گروهی از پایین‌ترین مرتبه آن یعنی توان درک نیز بی‌بهره‌اند.

۳-فقروحی(ذهنی)

گروهی، به‌رغم برخورداری از مواهب طبیعی بسیار، همواره خود را نیازمند می‌پندارند در اندیشه افزایش دارایی خویش به‌سر می‌برند و از مشاهده مردم دارا تر در حسرت فرو می‌روند. آزمندی و حسد در جان این افراد ریشه دوانیده و آنها را از درون می‌پوساند.

۴-فقرمالی

این نوع فقر که فقر مالی، فقر اقتصادی، فقر معیشتی و محرومیت نیز خوانده می‌شود، عبارت است از ناتوانی در برآورده‌ساختن نیازهای انسانی. یعنی ناتوانی انسان در تأمین حد کافی نیازمندی‌های بنیادی خود به‌منظور رسیدن به یک زندگی آبرومند و شایسته به‌عنوان شرط لازم در رسیدن به‌سوی کمال.

آثار فقر را به دسته‌های زیر تقسیم کرده‌اند.

۱-آثار اقتصادی

از آن‌جا که فقر، پدیده‌ای اقتصادی است، به‌طور طبیعی در حوزه اقتصاد آثاری ویرانگر برجای می‌نهد. این پدیده چنان‌چه به‌موقع شناسایی و نابود نشود، چون غده سرطانی گسترش یافته، جامعه را فرامی‌گیرد و به مرگ اجتماع می‌انجامد؛ به تعبیر جامعه‌شناسان، فقر؛ فقر می‌زاید و به‌طور معمول فرزندان فقرا در محرومیت باقی می‌مانند. مورد استفاده قرار نگرفتن امکانات بالقوه اقتصادی، فقدان سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری، کمبود تقاضا برای نیروی کار، پایین بودن مزدها و رشد منفی، از دیگر آثار اقتصادی فقر است؛ زیرا فقر، به سبب محرومیتی که دارند، به‌طور معمول از تحصیلات و تخصص لازم بی‌بهره‌اند، در نتیجه، از ظرفیت کارخانه‌ها، مزارع و دیگر منابع و امکانات استفاده کامل نمی‌شود، تولید کاهش می‌یابد و درنهایت، کشور فقیر برای تأمین نیازهای اساسی‌اش، ناگزیر ارزش‌های خود را زیر پا می‌نهد. دست نیاز به‌سوی کشورهای ثروتمند دراز می‌کند و به وابستگی اقتصادی، که اغلب به وابستگی سیاسی می‌انجامد، تن می‌دهد.

۲-آثارفرهنگی

آثار فرهنگی فقر در جامعه بسیار گسترده‌تر از آثار اقتصادی آن است. برخی از این آثار عبارت است از:

الف)ضعف‌عقیدتی

محرومیت‌های اقتصادی ناشی از فقر، در افرادی که ظرفیت کافی ندارند و از سویی به سبب فقر از فراگیری تعالیم دینی بی‌بهره‌اند، به سست‌شدن ارکان ایمان می‌انجامد و ممکن است اعتقادشان به مبدأ هستی را ضعیف کند.

ب)ضعف‌علمی

کمبود مراکز آموزشی و مربیان مجرب یکی از آثار فقر در سطح جامعه است. علاوه بر این، امکانات محدود جامعه نیز تنها دراختیار گروه‌های خاصی که از توانایی مالی برخوردارند، قرار می‌گیرد. در کشورهای فقیر معمولا کودکان از سنین پایین در کنار سرپرست خانواده برای تأمین نیازهای اولیه زندگی تلاش می‌کنند و به همین سبب، آمار ترک تحصیل نوجوانان بسیار بالاست.

ج)اضطراب و ناراحتی‌های روحی

وقتی فاصله طبقاتی در جامعه‌ای شدت یابد، به‌تدریج کینه‌ها و عقده‌های روحی درون فقرا ریشه می‌دواند و حالت نومیدی و افسردگی آنها را فرامی‌گیرد و آثار اجتماعی زیانباری به‌ارمغان می‌آورد.

د)رخت‌بربستن صفات پسندیده

انسان‌های نیازمند، به سبب تزلزل روحیه‌ای که دارند، اغلب گرفتار ضعف شخصیت شده، به‌تدریج خصلت‌های والای خود را از دست می‌دهند و به بعضی از صفات ناپسند مبتلا می‌شوند؛ برای مثال، وقتی نیازمندی می‌بیند کسی سخن راستش را باور نمی‌کند، کم‌کم در برابر دروغگویی بی‌تفاوت می‌شود.

۳-آثاراجتماعی

میان محرومیت‌های اقتصادی و مسائل فرهنگی-اجتماعی پیوندی مستحکم وجود دارد. آثار گونه‌گون فقر در هنجارهای جامعه نیز تأثیر می‌گذارد.

مهم‌ترین اثر اجتماعی فقر که خود به اثر دیگر می‌انجامد، ضعف شخصیت تهیدستان است. فقیران، به سبب برخوردار نبودن از امکانات مادی و موقعیت اجتماعی، در جامعه مورد تحقیر قرار می‌گیرند؛ اگر حتی از آنها پایمال شود، کسی گفتارشان را نمی‌پذیرد. بنابراین، قدرت دفاع از حق خود را از دست می‌دهند و نومید به انزوا روی می‌آورند.

این اثر در صحنه اجتماع بسیار خطرناک‌تر و ویرانگرتر است. بخشی از این آثار که به‌طور عمده زاییده عقده‌های روحی و تحقیرهای اجتماعی و سلب شخصیت تهیدستان شمرده می‌شود، عبارت است از: بالا رفتن آمار جرایم و بزهکاری حتی درمیان کودکان و نوجوانان، طلاق، اعتیاد، فحشا، تکدی‌گری و ولگردی.

۴-آثارسیاسی

فقر و محرومیت سبب می‌شود تهیدستان در برابر دولتمردان احساس بی‌اعتمادی کرده و در اجرای برنامه‌های دولت همراهی نکنند.

راه‌های پیشگیری از فقر

به‌طور کلی شیوه اصولی برخورد با هر مشکلی، بستن راه پدیدآمدن آن است؛ چنان‌که همه متخصصان دانش پزشکی بر این باورند که پرداختن به بهداشت و جلوگیری از پیدایش بیماری از درمان آن آسان‌تر و مهم‌تر است. در مبارزه با مشکل فقر نیز اجرای سیاست‌هایی برای از بین بردن زمینه‌های پیدایش آن مهم‌ترین گام به‌شمار می‌آید.

الف)مقابله با عوامل فرهنگی واجتماعی

به‌طور خلاصه، عوامل فرهنگی و اجتماعی فقر فردی و اجتماعی عبارت است از: تنبلی و عدم استقامت در کار؛ بی‌برنامگی؛ دیدگاه نادرست درباره دنیا و آخرت؛ خودباختگی و عدم اعتماد به‌نفس؛ ترویج گناه و فساد در جامعه؛ اعتیاد و تکدی‌گری و اظهار فقر. تشویق مردم به کار و تلاش و توجه‌دادن آنها به آثار دنیایی و آخرتی آن نیز در این راه بسیار مؤثر می‌نماید. بدیهی است که ایجاد نشاط، امید به آینده و استحکام پایه‌های عقیدتی در بین جوانان، شرط اولیه برای گسترش فرهنگ کار و تلاش در جامعه است. به تصویر کشیدن نتیجه تلاش افرادی که در سایه تلاش و استقامت به موفقیت‌های بزرگ دست یافته‌اند و نیز یادآوری تمدن عظیم اسلامی، که در سایه به کارستن آموزه‌های دین تحقق یافت، در زدودن روحیه تنبلی، نومیدی و خودباختگی مردم تأثیر بسیار دارد. افزون بر این، تقویت ابعاد معنوی جامعه و از بین بردن زمینه‌های گناه و اعتیاد و تبیین آثار مرگبار آن، از روی آوردن مردم، به‌ویژه نسل جوان، به گناهان جلوگیری می‌کند. بدیهی است که در کنار نفی این امور، فراهم کردن امکانات تفریحی و ورزشی و نیز علمی و آموزشی و تشویق جوانان به آنها امری ضروری می‌نماید. برخورد با مشکلات میان حرفه‌ای جمع‌آوری آنها در اردوگاه‌ها، آموزش فرهنگی و حرفه‌ای آنها و نیز ایجاد امکانات شغلی برای آنان بخشی از سیاست‌ها به‌شمار می‌آید. رسانه‌های گروهی، به‌ویژه صداوسیما در کارآمدی سیاست‌های فوق نقش بسزایی دارند.

ب)مقابله با عوامل طبیعی

با توجه به آنچه که به آن اشاره شد، گاه عوامل طبیعی چون مرگ و از کار افتادگی سرپرست خانواده، سیل و زلزله موجب تهیدست شدن گروه‌هایی از جامعه می‌شود. در این جهت دو کار اساسی لازم است:

انجام اقداماتی در جهت به‌حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از عوامل طبیعی، مانند ایجاد سدها و رعایت اصول ایمنی در کارگاه‌ها، جاده‌ها و ساختمان‌ها؛ تقویت سیستم تأمین اجتماعی، به‌منظور تحت‌پوشش قراردادن، از کار افتادگان و سرپرستان و قربانیان حوادث طبیعی.

ج)مقابله با عوامل اقتصادی

مسائل اقتصادی، اصلی‌ترین عامل پیدایش فقر است. منشأ اساسی فقر در بعد اقتصادی، مسأله حاکمیت نظام سرمایه‌داری و روابط اقتصادی مبتنی بر آن است. وقتی اقتصاد جامعه براساس نظام اقتصادی اسلام سامان یابد، زمینه پیدایش نابرابری و استثمار از میان می‌رود و برای ظهور فقر در جامعه جایی نمی‌ماند. عوامل اقتصادی فقر عبارت است از:

توزیع ناعادلانه ثروت؛ تورم؛ فقدان امکانات شغلی؛ ضعف مدیریت و تخصیص نیروی انسانی؛ بازدهی پایین و عدم کارآیی در تخصص منابع.

عکس پیام

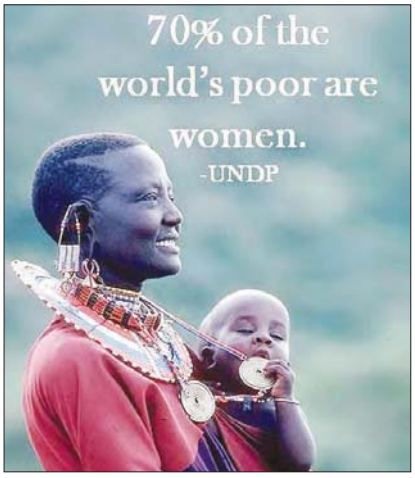

زنانه شدن فقر، بحرانی جدی در دنیای امروز است.

آسیب

نقش فقر در انحرافات اجتماعی

برخی جامعه‌شناسان، فقر را از عوامل به‌وجود آورنده جرم دانسته و می‌گویند که در فرد تهیدست عقده حقارت ایجاد می‌شود و او را به ارتکاب جرم وامی‌دارد. در پیوند برخی از انواع کجروی‌ها با فقر مانند روسپیگری، گدایی و برخی «نزدی‌ها» بیماری‌های روحی و... تردیدی نیست و بررسی‌های متعددی گواه بر آن است؛ «فورناساری‌دی‌ورس (Formasari di verce) که یکی از پیشتازان جرم‌شناسی است، طی یک بررسی نشان داده است که در ایتالیا خانواده‌های فقیر ۶۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند ولی جرایم مربوط به آنها ۸۵ تا ۹۰ درصد کل جرایم بوده‌است.

تحقیقات دکتر سیریل برت» (Dr. Cyril Burt) در کتاب «بزهکار جوان» (The Young Delinquent) حاکی است که ۱۹ درصد جرایم مربوط به فقرای لندن بوده است، درصورتی که آنان ۸ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند.

«آلفرد مارشال» (Alfred Marshall) در کتاب تاریخی خود درباره تئوری «اقتصادی سرمایه‌داری» (۱۸۹۱) به عامل فقر در پیدایش پدیده‌های نابهنجار اجتماعی اشاره کرده و می‌نویسد: «درست است که به‌رغم فقر، تحت‌تأثیر عوامل دینی، روابط دوستی و محبت‌های خانواده، ممکن است انسان احساس بزرگترین خوشبختی را بکند و امکان یابد استعدادهای خویش را شکوفا سازد ولی با وجود این باید اذعان داشت که در محیط فقر، به‌ویژه در مناطق پرجمعیت، فقر اقتصادی موجب از بین رفتن و پژمرده شدن استعدادهای انسانی می‌شود.»

مارکس معتقد است که جنایت، فحشا، فساد و رفتار خلاف اخلاق در درجه نخست ناشی از فقر است که زاییده سیستم سرمایه‌داری است. بدین‌سان که عده معدودی با در اختیار گرفتن وسایل تولید، ثروت‌ها را به‌طور نامساوی تقسیم می‌کنند و تناقضات جامعوی را پدید می‌آورند؛ مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد در کشورهایی که توزیع ثروت به‌صورت عادلانه نباشد، هر روز فقرا فقیرتر و اغنیا ثروتمندتر می‌شوند، فاصله طبقاتی فزونی می‌یابد و به علت عدم آموزش‌های اجتماعی و ضعف فرهنگی و فقدان احساس همبستگی ناشی از مادی‌گرایی و فردگرایی، که از اختصاصات جامعه‌های درحال توسعه است، افراد قادر به هدایت درست سنیز علیه این بی‌عدالتی اجتماعی نیستند، در نتیجه، شاهد آنیم که ارزش‌های اجتماعی فاقد اعتبار می‌شود، نظارت اجتماعی سست می‌شود و بزهکاری و تبهکاری عمومیت پیدا می‌کند.

می‌توان در حالت کلی اثرات فقر را روی شخص و جامعه این‌گونه بیان کرد: فقر روی تندرستی، چگونگی فرهنگ خانواده و امکانات تحصیلی اثر می‌گذارد. مقدم بر همه، فقر مانع می‌شود که فرد به‌عنوان عضو فعال جامعه وظیفه و دین خود را نسبت به جامعه انجام داده و از حقوق جامعوی، سیاسی و اقتصادی بهره‌مند شود.

دریچه

کفایت شیوه‌های سنتی تولید برای تأمین استانداردهای یک زندگی راحت

فقر یا تهیدستی سه معنای وضعیتی است که فرد فاقد میزان معینی دارایی‌های مادی یا پول است. فقر مطلق اشاره دارد به این که فرد به نیازهای ابتدایی زندگی دسترسی نداشته باشد، یعنی چیزهایی نظیر آب پاکیزه، تغذیه، خدمات بهداشتی، آموزش، پوشاک و سرپناه. امروزه تخمین‌زده می‌شود که حدود ۱۰۷ میلیارد نفر در جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند. فقر نسبی اشاره دارد به نداشتن سطحی معمول یا اجتماعا پذیرفته از منابع یا درآمد در مقایسه با سایر افراد آن جامعه یا کشور. در اغلب زمان‌های تاریخ، از آن جا که شیوه‌های سنتی تولید برای تأمین استانداردهای یک زندگی راحت برای همه جمعیت کافی نبودند فقر غالبا اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته می‌شد. سطح زندگی اصطلاحی است که برای نشان دادن حدود مصارف مادی و معنوی اهالی یک کشور به کار می‌رود. سطح زندگی به میزان و چگونگی برآوردن نیازهای مادی و معنوی بستگی داشته و در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و در مراحل مختلف رشد تاریخی و برحسب کشورهای مختلف فرق می‌کند. سطح زندگی مستقیما به تولید اجتماعی، درآمد اهالی، میزان مصرف کالاهای بلندمدت و کوتاه‌مدت و چگونگی برطرف کردن نیازهای فرهنگی و بهداشتی وابسته است. قبل از انقلاب صنعتی فقر به خاطر اقتصاد ضعیف غیرقابل اجتناب بود. در دوشهر از بزرگترین شهرهای غرب اروپا به نام Antwerp و L.yons تا سال ۱۶۰۰ سه چهارم کل جمعیت به‌حدی فقیر بودند که حتی نمی‌توانستند مالیات بدهند. در قرن ۱۸ در انگلستان نیمی از جمعیت حداقل گاهی اوقات برای امرار معاش به خیریه وابسته بودند. در تاریخ معاصر کمبود غذا به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است که آن را مدیون پیشرفت‌های تکنولوژی در بخش کشاورزی هستیم. تکنولوژی‌هایی مانند بکارگیری کودهای نیتروژنه، آفت‌کش‌ها و روش‌های جدید آبیاری که باعث افزایش تولید بخش کشاورزی شده‌اند. تولید بالای محصول در بعضی از مناطق مانند کشور چین باعث شده است کالاهایی که زمانی کالای لوکس و گرانقیمت محسوب می‌شدند مانند خوردو کامپیوتر الان ارزان‌تر در دسترس مردم قرار گیرند در نتیجه قابل دسترس برای مردمی با استطاعت مالی کمترشده است. موارد‌ی تولید و تأمین غذا را تهدید می‌کند از جمله خشکسالی، بحران قحطی آب و همچنین کشت مکرر روی زمین باعث کاهش حاصلخیزی آن و کاهش راندمان تولید محصول می‌شود تقریبا ۴۰ درصد زمین‌های کشاورزی به‌طور جدی فرسایش یافته‌اند. در آفریقا اگر فرسایش خاک با همین سرعت پیش برود تا سال ۲۰۳۵ فقط می‌تواند غذای مورد نیاز ۲۵ درصد جمعیتش را تأمین کند. مراقبت‌های بهداشتی برای فقرا به‌طور گسترده در دسترس نیست. مهاجرت کارکنان بخش بهداشت و درمان از کشورهای فقیر صدمه جبران ناپذیری دارد. به‌طور مثال تخمین‌زده می‌شود ۱۰۰ هزار پرستار فیلیپینی در بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۶ مهاجرت کرده باشند و تعداد دکترهای اتیوپیایی در ایالت شیکاگو آمریکا بیش از کشور اتیوپی است که این باعث صدمه بیشتر به فقرا و حتی افزایش فقر در آن کشورها می‌شود. همچنین جمعیت بالا و عدم کنترل سرعت رشد جمعیت می‌تواند از عوامل موثر در رشد فقر در یک کشور باشد.